

مجموعه اشعار نياما يوشيج

مقابله و تدوين
عبدالعلي عظيمي



انتشارات نياما

نیما یوشیج، ۱۲۷۴-۱۳۳۸، مستعار.

مجموعه اشعار نیما یوشیج / مقابله و تدوین عبدالعلی عظیمی. - تهران: نیلوفر،

۱۳۸۳.

ISBN 964-448-251-4

۶۶۱ ص.

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. شعر فارسی - قرن ۱۴. الف. عظیمی، عبدالعلی، ۱۳۳۵. - گردآورنده.

ب. عنوان.

ی/ ۹۸۶ ن ۶۲ / ۸۶۱

PIR/۸۲۷۱ / ۱۱۶

۱۳۸۳

ب ۱۳۸۳

۳۲۳۲۳۵

کتابخانه ملی ایران



انتشارات نیلوفر، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۱۱۷

مجموعه اشعار نیما یوشیج

مقابله و تدوین: عبدالعلی عظیمی

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۴

حروفچینی: شبستری

چاپ طیف‌نگار

شمارگان: ۳۳۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۶۴-۴۴۸-۲۵۱-۴

فهرست

۱۱۹	به یادِ وطنم	۹	مقدمه
۱۲۱	بشارت	۱۴	فهرست کتاب‌های شعر نیما یوشیج
۱۲۱	تسلیم شده	۱۷	نیما به روایت نیما
۱۲۲	شمع کَرَجی	۲۱	در زندگانی پس از مرگ
۱۲۵	قو	۲۵	یادداشت زنده‌یاد دکتر محمد معین
۱۲۶	قلب قوی	۲۷	قصه رنگی پریده، خون سرد
۱۲۷	گرگ	۳۶	منت دونان
۱۲۷	آوازِ قفس	۳۷	ای شب
۱۲۸	جامهٔ مقتول	۳۹	افسانه
۱۲۹	نامه	۶۶	شیر
۱۳۱	پسر	۷۲	چشمهٔ کوچک
۱۳۲	شهیدگمنام	۷۳	یادگار
۱۳۵	سرباز فولادین	۷۵	آنگاسی
۱۵۲	آنگاسی	۷۶	بُر ملا حسن
۱۵۳	به رشام ارزنگی	۷۷	گلِ نازدار
۱۵۳	خواجه احمد حسن میمندی	۷۸	مفسدهٔ گل
۱۵۴	عبدالله طاهر و کنیزک	۷۹	گلِ زودرس
۱۵۵	خروس ساده	۷۹	محبس
۱۵۵	کرم ابریشم	۸۹	خارکن
۱۵۶	اسب دواتی	۹۱	روپاه و خروس
۱۵۶	کچی	۹۱	جامهٔ نو
۱۵۷	عقاب نیل	۹۲	خانوادهٔ سرباز
۱۵۸	عمو رجب	۱۱۸	از ترکشی روزگار

۲۴۶	وای بر من!	۱۵۸	خریت
۲۴۷	پدرم	۱۵۹	صدای چنگ
۲۴۹	گلِ مهتاب	۱۵۹	انگاسی
۲۵۲	لاشخورها	۱۶۰	انگاسی
۲۵۳	ای عاشق فسرده	۱۶۰	کبک
۲۵۴	زیبایی	۱۶۱	خروس و بوتلمون
۲۵۴	خانه سربوبلی	۱۶۱	عقوت
۲۸۸	پریان	۱۶۲	بهار
۲۹۴	اندوهناک شب	۱۶۳	سال نو
۲۹۸	هیبره	۱۶۴	پرندۀ منزوی
۲۹۹	همسایگانِ آتش	۱۶۴	آتشِ جهنم
۳۰۱	شکسته پر	۱۶۴	میرداماد
۳۰۲	خنده سرد	۱۶۵	در جوارِ سخت سر
۳۰۳	امید بلید	۱۶۷	دیهقانان
۳۰۷	گم شدگان	۱۶۸	خوشی من
۳۰۷	پانزده سالِ گذشت	۱۶۸	هیئت در پشت پرده
۳۰۹	وقت است	۱۶۹	خاطره «آمرناسره»
۳۱۰	خواب زمستانی	۱۷۰	خاطره مبهم
۳۱۲	من لبخند	۱۷۰	گنبد
۳۱۴	لکه دار صبح	۱۷۱	نعره گاو
۳۱۶	جغدی پیر	۱۷۲	فضای بی چون
۳۱۶	آی آدم‌ها	۱۷۲	صبح
۳۱۸	یاد	۱۷۴	دود
۳۱۹	بوجهل من	۱۷۴	قلعه سقریم
۳۲۰	نه، او نمرده است	۲۳۲	قنوس
۳۲۲	خرمن‌ها	۲۳۴	غراب
۳۲۳	سایه خود	۲۳۶	مرغ غم
۳۲۴	تابناکی من	۲۳۸	می‌خندد
۳۲۴	نیما	۲۳۹	دانیال
۳۲۵	بازگردان تنِ سرگشته	۲۴۵	مرغ مجسمه

۴۶۶.....	جوی می‌گرید.....	۳۲۷.....	منظومه به «شهریار».....
۴۶۷.....	می‌خندد.....	۳۴۲.....	با غرویش.....
۴۶۷.....	آن‌که می‌گرید.....	۳۴۳.....	مادری و پسری.....
۴۶۹.....	ابجد.....	۳۵۰.....	ناروایی به راه.....
۴۷۰.....	مهتاب.....	۳۵۳.....	مردگان موت.....
۴۷۱.....	در شب تیره.....	۳۵۵.....	کینه شب.....
۴۷۲.....	اوبه رؤیایش.....	۳۵۷.....	ناقوس.....
۴۷۷.....	شاه کوهان.....	۳۷۰.....	مانلی.....
۴۷۸.....	تلخ.....	۴۰۹.....	پی دارو چوپان.....
۴۷۹.....	اجاق سرد.....	۴۲۶.....	بخوان ای همسفر با من.....
۴۸۰.....	هنگام که گریه می‌دهد ساز.....	۴۲۸.....	گنج است خراب را.....
۴۸۱.....	مرگ کاکلی.....	۴۲۹.....	داستانی نه تازه.....
۴۸۲.....	با قطار شب و روز.....	۴۳۰.....	شب دوش.....
۴۸۳.....	ماخ اولاً.....	۴۳۲.....	روزیست و نهم.....
۴۸۴.....	بر فراز دشت.....	۴۳۳.....	حباب.....
۴۸۵.....	سوی شهر خاموش.....	۴۳۴.....	شب قُرق.....
۴۹۴.....	جاده خاموش است.....	۴۳۵.....	کار شب‌پا.....
۴۹۵.....	بر فراز دودهایی.....	۴۴۱.....	وقت تمام.....
۴۹۶.....	باد می‌گردد.....	۴۴۲.....	که می‌خندد؟ که گریان است؟.....
۴۹۷.....	نطفه بند دوران.....	۴۴۳.....	از عمارت پدرم.....
۴۹۸.....	هاد.....	۴۴۴.....	خروس می‌خواند.....
۵۰۱.....	در رو نهفت و فراز ده.....	۴۴۶.....	او را صدا بزن.....
۵۰۳.....	یک نام به یک زندانی.....	۴۴۹.....	پادشاه فتح.....
۵۱۳.....	در بسته‌ام.....	۴۵۶.....	از دور.....
۵۱۵.....	چراغ.....	۴۵۶.....	گندنا.....
۵۱۷.....	در شب سرد زمستانی.....	۴۵۷.....	روی جدارهای شکسته.....
۵۱۸.....	تا صبح‌دمان.....	۴۶۰.....	در فرویند.....
۵۱۹.....	هنوز از شب.....	۴۶۱.....	نام بعضی نفرات.....
۵۱۹.....	مرغ شباویز.....	۴۶۲.....	عود.....
۵۲۰.....	شب است.....	۴۶۴.....	آفانوکا.....

۶۲۰	بعد از غروب	۵۲۱	مرغ آمین
۶۲۰	مدح مولای متقیان علی (ع) است	۵۲۸	حکایت
۶۲۱	زیاد تو نرود	۵۲۹	فایق
۶۲۱	قطعه	۵۳۰	آهنگر
۶۲۲	پدرم	۵۳۲	در نخستین ساعت شب
۶۲۲	قطعه	۵۳۳	خونریزی
۶۲۳	حکایت	۵۳۵	داروگ
۶۲۳	در جواب حسین طهرانی	۵۳۵	خانه‌ام ابری ست
۶۲۵	آن بهتر	۵۳۶	ری را
۶۲۶	قطعه	۵۳۷	همه شب
۶۲۶	قطعه	۵۳۸	در کنار رودخانه
۶۲۶	در رثاء عشقی	۵۳۹	دل فولادم
۶۲۷	در رثاء اعتصام الملک	۵۴۱	روی بندرگاه
۶۲۷	به آن کسی که در نظر من است	۵۴۲	شب پره ساحل نزدیک
۶۲۸	نامه	۵۴۳	هست شب
۶۳۳	قطعه	۵۴۴	فرق است
	نامه به آیه الله محمد صالح علامه	۵۴۴	برف
۶۳۴	حائری	۵۴۵	سویلشه
۶۳۸	در قدح یکی از خوانین خسیس	۵۴۷	در پیش کومه‌ام
۶۳۹	رؤیا	۵۴۸	کک کی
۶۴۰	قطعه	۵۴۸	بر سر فایقش
۶۴۰	شعر	۵۴۹	پاس‌ها از شب گذشته است
۶۴۰	از پس پنجاه و ...	۵۴۹	تو را من چشم در راه‌ام
	در وصف بهار و منقبت مولای متقیان	۵۵۰	شب همه شب
۶۴۱	علی (ع)	۵۵۱	رباعیات
۶۴۵	سیده‌دم	۶۱۷	چند غزل، قطعه و قصیده
۶۴۶	الرثاء	۶۱۸	غزل
۶۴۸	طوفان	۶۱۸	غزل
۶۵۳	واژه‌نامه	۶۱۹	غزل
		۶۱۹	غزل

مقدمه

«من می میرم و آثارِ شلوغ و درهم و برهم من می ماند و از بین می رود. به من، زمانِ زندگی من کمک نکرد که بتوانم با آرامش کارم را بکنم.» - نیما یوشیج

در اولین چاپ مجموعه کامل اشعار نیما یوشیج^۱ منظومه افسانه دستخوش تغییراتی شده بود که نمی شد آن را ناشی از غلط‌های چاپی دانست^۲، یا به ویرایش شاعر نسبت داد. هوشنگ گلشیری در مجله مفید^۳ علاوه بر ارائه فهرستی از این دخل و تصرف‌ها، بر نکته بدیهی و درستی انگشت گذاشت:

«در تدوین آثاری از این دست، مصحح یا ویراستار باید حتی الامکان از اعمال سلیقه‌های شخصی بپرهیزد. مهم‌تر اینکه چاپ‌های مکرر افسانه این انتظار را برمی‌انگیزد که اولاً غلط‌های چاپی تذکر داده شود. در ثانی، اگر در متن موجود به استناد دستخط نیما، چه در نسخه خطی خود او، چه در کنار دو نسخه چاپی شاملو و جنتی عطایی تغییراتی داده شده است، مورد به مورد مستند ویراستار ذکر شود...»

در چاپ‌های بعدی، آقای طاهباز اشکالات مورد اشاره گلشیری را اصلاح کرد. اصل بی‌خدا شده هر محقق و مصححی اجتناب از اعمال سلیقه و دوری از حب و بغض‌های شخصی است. طاهباز، صورت اولیه افسانه را می‌پذیرد و به جای پذیرش اشتباه و یا حتی اظهار تشکر از گلشیری، از او نقل قول تحریف‌شده‌ای می‌آورد که همان یک جو اعتبار و اعتماد را هم خدشه‌دار می‌کند.

۱. مجموعه آثار نیما یوشیج - دفتر اول شعر، به کوشش سیروس طاهباز و با نظارت شراگیم یوشیج، نشر ناشر، چاپ اول ۱۳۶۲.

۲. افسانه، علاوه بر چاپ در روزنامه قرن بیستم میرزاده عشقی در سال ۱۳۰۱، در زمان حیات شاعر دو بار دیگر منتشر شده است - بار اول به همت و با مقدمه‌ای از احمد شاملو به سال ۱۳۲۹ و بار دوم در نیما، زندگانی و آثار او به همت دکتر اسماعیل جنتی عطایی، آذرماه ۱۳۴۴.

۳. مقاله افسانه نیما، مانیفست شعر نو، مجله مفید دوره جدید، شماره اول، بهمن ۱۳۶۵، ص ۱۳.

«آقای هوشنگ گلشیری هم در مقاله‌ای در مجله «مفید» درباره این کتاب نوشتند که برای رفع پاره‌ای از اشکالات احتمالی وزنی می‌باید به آقای مهدی اخوان ثالث مراجعه می‌کرده باشم.»
در حالی که گلشیری نوشته بود:

«طاهباز نیز [بهتر است] برای تغییر سطور - حتی اگر به خط شاعر مستندی دارد - یا صاحب‌نظران آشنا با زبان و بیان نیما چون اخوان ثالث مشورتی بکنند.» (تأکیدها از نگارنده است). «مشورت با صاحب‌نظران آشنا با زبان و بیان نیما» کجا و «رفع پاره‌ای از اشکالات احتمالی وزنی» کجا؟

تا جایی که من اطلاع دارم، گلشیری تنها کسی است که تا امروز به روش غیر محققانه آقای طاهباز انتقاد کرده. تن دادن بی‌سروصدا به انتقادات گلشیری نشان داد که طاهباز مستندی برای دخیل و تصرف‌هایش ندارد.

با وجود این، از حق نباید گذشت؛ اگر طاهباز این وظیفه را بر عهده نمی‌گرفت، معلوم نبود چه اتفاقی برای نوشته‌های نیما می‌افتاد. از جمع آن‌هایی که نیما وصیت کرده بود ناظر بر چاپ و انتشار آثارش باشند، پس از درگذشت دکتر معین، حتی یکی از آن‌ها حاضر نشد کار خود را زمین بگذارد و به وصیت نیما عمل کند. اینکه چرا دکتر جنتی عطایی که در زمان حیات - به قول آل‌احمد - «در صف چند تن شناسندگان نخستین پیرمرد» بود کنار رفت یا کنار گذاشته شد، معلوم نیست. احتمالاً آل‌احمد که حرفش دررو داشت، نگذاشت چنین مسئولیتی را به دکتر جنتی عطایی بسپارند، به دلیل «آن برنامه‌های رادیویی و دیگر مشاغل رسمی»، مبادا دم و دستگاه فرهنگی رژیم نیما را مصادره به مطلوب کند. غیر از این، آل‌احمد خلاصه‌ای از موقوف سپردن مسئولیت به طاهباز را در مقدمه‌ای - که به خواست جنتی عطایی برای چاپ دوم کتاب برگزیده آثار نیما نوشته - نقل کرده است.^۱

قصد من از این مقدمه‌چینی‌ها ناختن بر طاهباز نیست یا - خدای ناکرده - نادیده گرفتن زحمت کسی که عمری را صرف چاپ و انتشار آثار نیما کرده است. می‌خواهم بگویم

۱. طاهباز ظاهراً پس از مدتی، کم‌کم نسبت به آثار نیما برای خود حق ویژه یا یگانه‌ای قائل شد، آن‌قدر که زحمات دیگران را نادیده می‌گرفت و شدیداً سابقه اولین شناسندگان نیما را حذف می‌کرد. در مقدمه‌هایی که بر بعضی از آثار نیما نوشته، کوشیده است حتی‌المقدور حرفی از شاملو یا جنتی به میان نیاید - علی‌الخصوص دکتر جنتی عطایی. او از مقدمه‌ای که آل‌احمد به درخواست جنتی عطایی نوشته فقط بخشی را نقل می‌کند که مربوط است به خود طاهباز.

که مشکلات گردآوری و تصحیح شعرهای نیما چیست و از کجا سرچشمه می‌گیرد. هیچ دلم نمی‌خواهد که پس از یک سال و نیم که وقت صرف مقابله چاپ‌های مختلف کرده‌ام – فقط نیمی از این وقت صرف گردآوری منابع شد – و با وجود این منابع ناقص و نامطمئن، بدون دسترسی به اسناد، در خصوص یک عمر استخوان خردکردن^۱ شاعری چون نیما که زندگی‌اش را وقف شعر گفتن و به شعر اندیشیدن کرد نظری ابراز کنم یا خواننده را به این توهم دچار کنم که این کتاب صورت نهایی شعرهای نیما یوشیج است و مشمول «پوسخند» روح نیما بشوم.^۲ فقط می‌توانم بگویم که سعی کرده‌ام نسخه کم‌غلطی ارائه بدهم و کوشیده‌ام هیچ سلیقه‌ای اعمال نکنم.^۳ در مورد شعرهایی که پس از

۱. مسئله کار، مسئله خرد شدن استخوان است و همه زحمت‌ها در این است. (حرف‌های همسایه، انتشارات نیما، چاپ چهارم ۱۳۵۷، ص ۱۶)

۲. «... هرکس این‌طور شود و همه ساعات زندگی‌اش به مصرف هنرش برسد، حتی در ضمن انجام کارهای خانه هم راجع به نوشتن فکر کند؛ چنین کسی می‌تواند پوسخند بزند به پرده‌ای که در طول چند دقیقه می‌خوانند در خصوص کار چندین سال یک نظر اظهار ذوق و سلیقه کنند» (همان، ص ۱۵۶).

۳. وگرنه، ترجیح می‌دادم این سطر «اجاق سرده» (ص ۴۷۹) را:

«روز شیرینم که با من آشتی داشت»

به «روز شیرینم که با من آتشی داشت».

متأسفانه، در منابعی که در دسترس داشتم فقط یک مستند غیرمعتبر از آن وجود دارد. صمیمانه بگویم که بسیار هم گشته‌ام مگر مستندات دیگر جور کنم و جور نشد.

اما دلیل ترجیح من:

شعر «اجاق سرده» با وصفی شروع می‌شود از «اجاقی خرد»؛ «مانده از شب‌های دورادور / بر مسیر خامش جنگل /...» در پاره بعد، شاعر مشابهتی برقرار می‌کند بین اجاق سرد و احوال خود «همچنان کاندز غبار اندوده اندیشه‌های من ملال‌انگیز /...»

شاعر در پاره سوم، وصف حال خود را گسترش و چرخشی می‌دهد و عناصری از اجاق خاموش وارد آن می‌کند، مثلاً «سردگشته، سنگ‌گردیده»؛ سطر اول این پاره همین مصرع بحث‌انگیز است: «روز شیرینم که با من...» بعد از نادرکاتی که در پاره دوم و بخصوص پاره سوم می‌بینند و یک سلسله تداعی را بیدار می‌کند، در پاره چهارم، جای «مشبه» و «مشبه‌به» را عوض می‌کند – البته نه در مقیاس واژه که در مقیاس پاره – و بازمی‌گردد تا برای حالات خود تشبیهی بسازد از اجاق سرد: «همچنان که مانده از شب‌های دورادور / در مسیر خامش جنگل / سنگچینی از اجاقی خرد / اندرو خاکستر سردی.»

وقتی شاعری از اجاق متروک می‌گوید تا از خود بگوید، در فحوص در گذشته تا به آن روز خاص، بسیار عادی و دم‌دستی نمی‌نماید اگر از آتش بگویم؟ در حالی که «آتشی» علاوه بر معنا و هم‌معنایی با «شیرینم»، فقط با یک جابه‌جایی حرف «ت» بدل به «آتشی» می‌شود؛ از آن، کم و بیش همان شور و گرما حس می‌شود که از آتش، به همین دلیل، آیا برتری ندارد «آتشی» به «آتشی» که فقط محدود می‌شود به گرمای از دست رفته؟ در غیر صورت، دیگر آن صلح با جهان کم‌رنگ و بی‌رنگ می‌شود.

به احتمال زیاد، این سهو فرخنده را باید اشتباه در حروف چینی به حساب آوریم. در هر صورت، بنا به شناختی که از نیما و دیرپسندی‌اش داریم، مطمئن‌ام اگر نیما زنده بود و شاهد ماجرا بود، بی‌بروگرد آن را می‌پذیرفت.

حیات نیما چاپ شده‌اند، فعلاً چاره‌ای جز پذیرش صورتی که طاهباز به ما ارائه کرده است نداریم؛ امیدواریم بعداً به اسناد و دست‌نوشته‌های نیما دسترسی پیدا کنیم یا دست‌کم فهرستی از اختلاف‌ها را در چاپ‌های مختلف ضمیمه کتاب کنیم و باقی کار را به آیندگان بسپاریم. در بیش‌تر موارد، این تغییرات در حد یک کلمه یا یک ترکیب است، اگر از غلط‌های چاپی بگذریم، بیش‌تر شعرهای شناخته‌شده نیما در همه چاپ‌ها به یک صورت آمده‌اند. فقط ۱۶ سطر از نافوس، پس از چاپ کتاب نافوس (مروارید، ۱۳۴۶)، بی‌هیچ توضیح یا ارائه‌سندی، حذف شده و به جای آن ۳ سطر دیگر نوشته است:

«و هر کسی به پرده که دیگر

دیگر تر است از پس پرده

وز حرف‌ها نه کاستی آور

در کار این گناه، نه در خلق

کاین گونه بس گناه بیاورده.

اینک کدام راه نماید

تا در به روی خیر گشاید؟

دینگ دانگ!.. شد ز یاد

نقشی که دستی از پی خیر و سلامتی

بر پرده می‌نهاد.

راهی که در سپرد

آن کاروانِ جود

بگسیخت تار و پود

وینک گشوده‌ست معما

با چشم‌ها

با هوش‌های سرکش اماه

تا آدمی ز دل نزاید

زنگ خیالی بوج

شایسته نیاز نگردد.

به جای ۱۶ سطری که برای مشخص کردن، داخل گیومه و با حروف متفاوت چاپ کرده‌ایم، این ۳ سطر آمده است:

«وز آنچه گفته‌اند و نگفته‌اند

وز رنج هر گروه هویدا است:

یک نکته بی‌خلافی پیدا است»

به دلیل سطرهای جانشین، این ۱۶ سطر را نمی‌توان افتادگی فرض کرد. احتمالاً این شعر را خود نیما پس از چاپ اصلاح کرده است. ناچار، نافوس را، پس از اصلاح غلط‌های چاپی و رفع چند مورد افتادگی، به همان صورتی نقل کرده‌ایم که در مجموعه کامل اشعار (گردآوری، نسخه‌برداری و تدوین: سیروس طاهباز، انتشارات نگاه، چاپ پنجم ویراست جدید) ۱۳۸۰، صص ۳۵۰ تا ۳۸۷ چاپ شده است.

سپاس‌گزاری

از دوست شاعرم محمدعلی سپانلو سپاس‌گزارم که طرف مشورت بود و نشانی شعری را از نیما به من داد که سال ۱۳۳۵ چاپ شده و در هیچ‌کدام از کتاب‌های شعری که تا به امروز از نیما چاپ شده نیامده است - شعر «بعد از غروب»، ص ۶۲۰ از دوست و همکارم مهدی اخوت سپاس‌گزارم که نمونه‌خوانی وقت‌گیر و دشوار این کتاب بی‌همکاری و همراهی او ممکن نبود، و از خانم شبنم مرزی برای نمونه‌خوانی «رباعیات»؛ و از آقای سعید شبستری که بار سنگین حروف‌چینی را بر دوش کشید و هر جا نکته‌ای دید گوشزد کرد و از آقای حسین کریمی مدیر انتشارات نیلوفر که صبورانه برای این کتاب وقت و هزینه گذاشت.

عبدالعلی عظیمی

چند توضیح

- ◀ این مجموعه اشعار طبری نیما یوشیج - روجا - را دربر نمی‌گیرد، چون بدون برگردان فارسی، لطایف و ظرایف این اشعار برای خوانندگان غیرمازندرانی قابل دریافت نیست.
- ◀ * (چند نقطه و ستاره) به جای واژه یا عبارتی می‌آید که نسخه‌برداران شعرهای نیما نتوانسته‌اند آن را بخوانند.

◀ [؟] به این معناست که احتمال تحریف یا غلط چاپی داده‌ایم. مثلاً در شعر «دیهقان» (ص ۱۶۷)، در این بیت:

آبشان مُرده سخن‌های گزاف و به فسوس خون‌شان خورده خورش‌ها و تُرید آورده
 به احتمال زیاد «بُرده» به اشتباه «مُرده» چاپ شده است. به همین دلیل، «بُرده» را داخل کروشه
 و با علامت سؤال چاپ کرده‌ایم:

«آبشان مُرده [بُرده]؛ سخن‌های گزاف و به فسوس»

◀ [(۵)] به این معناست که به جای واژه‌های افتاده یا ناخوانا، بر اساس خود شعر، واژه‌ای را
 حدس زده‌ایم. مثلاً در شعر «وقت تمام» (ص ۴۴۱) به جای «.....» جوشیدن نیست، احتمال
 داده‌ایم که افتادگی شاید «وقت» باشد، چون چند سطر بالاتر ترکیب کمابیش مشابه «وقتِ
 جوشیدن نیست» داشته‌ایم:

« [وقتِ (۵)] جوشیدن نیست.»